



درس فارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۴ دی ۱۳۸۹

موضوع کلی: ملاک حکم شرعی

مصادف: ۲۹ محرم الحرام ۱۴۳۲

موضوع جزئی: قول مختار/مقدمات

جلسه: ۴۸

سال: دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

مقدمه پنجم:

مقدمه پنجم از مقدمات مربوط به قول مختار این است که مسئله غرض در افعال خداوند و از جمله تشریح و قانونگذاری لزوماً با مسئله مصلحت و مفسده و حسن و قبح مربوط به متعلقات احکام پیوند نخورده نه به نحو کلی و نه حتی به صورت جزئی. منظور این است که چه بسا خداوند در افعال و از جمله تشریح غرض داشته باشد و حتماً هم دارد ولی ضرورتی ندارد که این غرض حتماً مربوط به مصلحت و مفسده متعلق در احکام الهی باشد. ما خداوند را حکیم میدانیم و غرض هم برای کارهای خداوند ثابت است اما معنایش این نیست که بگوییم مصلحتها و مفسدهها قبل از تعلق امر و نهی وجود دارد و معنای غرض در افعال خدا و حکمت در کارهای خدا این است که احکام را حتماً در مسیر آن مصالح و مفاسد واقعیه پیش ببرد. پس این نکته هم باید توجه شود که غرض داشتن به نحو کامل منطبق با رعایت مصالح مفاسد واقعیه در متعلقات احکام نیست.

مقدمه ششم:

مقدمه ششم که سابقاً هم به آن اشاره کردیم این است که وجود مصلحتهای پیشین در عبادات امکان ندارد یعنی در عبادات با قطع نظر از امر و قبل از آمدن امر مصلحتی وجود ندارد. ما برای این مدعا و اثبات این مسله به دو وجه اشاره کردیم:

وجه اول:

وجه اول اینکه عبادات ماهیات مخترعه شرعیه هستند و بر طبق بعضی از مبانی ماهیات مخترعه شرعیه اساساً قبل از امر حقیقتی ندارند تا بخواهند مصلحت پیشین داشته باشند. خیلی از امور قبل از امر حقیقتی دارند اما ماهیات مخترعه شرعیه این چنین نیستند. طبق این دیدگاه اصلاً این ماهیات با امر محقق میشوند یعنی این طور نیست که ابتداً این وجود اعتباری اختراع شود مثلاً خداوند اول ماهیت صلاة را اختراع کند و بعد به این صلاتی که این حسن و مصلحت را دارد امر کند. پس این طور نیست که اول موجود شود و بعد امر شود؛ اصلاً صلاة و امثال صلاة من العبادات با امر موجود میشوند. پس این یک دیدگاه است که ماهیات مخترعه شرعیه با امر محقق میشوند. که البته این دیدگاه مورد قبول ما نیست. حال اگر ما ملتزم شدیم که ماهیات مخترعه شرعیه به امر محقق میشوند فرض بودن مصلحت پیشین در این ماهیات قبل از تعلق امر امکان ندارد یعنی چنین چیزی نمیشود چون صلاة و امثال صلاة من العبادات تا قبل از امر چیزی نیستند تا بخواهند دارای مصلحتهای واقعی باشند که بر اساس آنها امر تعلق گرفته باشد.

سوال: منظور از تبعیت احکام از مصالح و مفاسد یعنی تبعیت از علم به مصالح و مفاسد و بر این اساس لازم نیست که خود مصالح و مفاسد موجود باشند. علم به مصلحت و مفاسد قبل از تحقق خود این امور وجود دارند و احکام تابع آن هستند.

استاد: اگر مراد علم به مصالح و مفاسد باشد باز از محل نزاع خارج میشود چون اشاعره هم معلوم نیست این معنی از تبعیت را منکر شوند چون آنها قطعاً علم خداوند به مصالح و مفاسد را پیش از جعل حکم که قبول دارند، ولی این محل نزاع نیست. بحث در این است که آیا پیش از آن که شارع حکم کند افعال اختیاری انسان دارای مصالح و مفاسد واقعی هست که بدون بیان شارع ما قادر به درک آن باشیم؟ اشاعره این را منکر هستند و به مشهور عدلیه نسبت داده شده که این چنین هست و شارع هم بر همین اساس حکم میکند.

سوال: ممکن است بگوییم با همین امر شارع که این ماهیات اختراع میشوند مصلحت آن ها هم ایجاد میشود.

استاد: بحث ما در مصلحتهای پیش از تعلق امر است ولی مصلحتهای پس از امر را حتی اشاعره هم منکر نیستند و میگویند هر چه را شارع امر کند مسلماً دارای حسن و مصلحت میشود و هر چه که نهی کند دارای مفاسد میشود. این را در مقدمه اول متذکر شدیم. همچنین توجه داشته باشید که مراد از این مصلحت و مفاسد در زمان تعلق امر و نهی است نه در زمان امتثال، یعنی ما که سخن از مصلحت و مفاسد داریم مرادمان این است که آیا مصلحت و حسن قبل از تعلق حکم و پیش از جعل حکم در این اشیاء امکان دارد یا ندارد؟

سوال: آیا ممکن است که امر و مصلحت با هم مقارن باشند یعنی همزمان که امر میشود مصلحت هم ایجاد شود.

استاد: اشکال ندارد اما باز هم از محل بحث ما خارج است و نمیشود بگوید تابع است. و اینجا فووقش این است که همزمان با بیان شارع این مصلحتها در این وجود اعتباری خلق میشود که این اشکالی ندارد. پس بحث ما در این محدوده است که بعضی میگویند ما من حکم شرعی الا اینکه تابع مصالح و مفاسد باشد بزرگانی مثل مرحوم ملاصدرا این نظر تبعیت مطلق را قائل بودند که باید در متعلقش یک مصلحتی وجود داشته که مقتضی شده برای حکم، یا نظریه مقابلش که نظریه تبعیت مطلق بود و آنچه که محل نزاع ما با اشاعره است این است آنها منکر تبعیت است و عدلیه هم مثبت این تبعیت است.

شما میخواهید بگویید لزوماً معنای تبعیت تاخر زمانی از امر نیست و ممکن است مقارن و همزمان با امر حادث شود یعنی بگوییم مثل تقدم رتبی علت بر معلول به معنای تقدم زمانی نیست. که ما در جواب میگوییم که حرفمان این است که آیا واقعا مراد از این تبعیتی که در مقابل اشاعره محل نزاع است، تبعیت در حد تبعیت معلول از علت - که تقدم و تاخر زمانی ندارند - است؟ که این اصلاً امکان ندارد چون بنا بر قول به تبعیت مصلحت باید علت باشد برای حکم در حالی که فرض این است که با امر این مصلحت خلق میشود.

سوال:

استاد: بحث در این است که میخواهیم ببینیم افعال انسان با قطع نظر از بیان شارع میتواند خوب و بد باشد یا نه؟ یعنی اگر شارعی نباشد، فاعل فعل حسن مورد مدح قرار بگیرد، فاعل فعل قبیح مورد ذم قرار بگیرد، این محل نزاع است یعنی

بدون دخالت شارع و بیان شارع آیا میتوانیم فاعل فعلی را بگوییم آدم خوبی است و فاعل فعلی را بگوییم آدم بدی است حال چه عقل ما حکم کند چه عقلاء؛ که این اختلافی است که بین محقق اصفهانی و دیگران مطرح است.

سوال:

استاد: این را هم در یک مقدمه توضیح دادیم که مراد از این که آیا احکام تابع مصالح و مفسدات است مراد این نیست که دیگر اراده خدا یا غرض غایی را جزء علت نمیدانند بلکه مرادشان این است که آیا غیر از اینها چیزی در اشیاء هست که موجب حکم شود یا نه؟

سوال: عنوان بحث مصلحت واقعی است و مصلحت واقعی حتما باید بعد از امر واقعیت پیدا کند و درست است قبل از امر که در نظر گرفته میشود اما بعد از امر و در خارج مراد است.

استاد: مراد از مصلحت واقعی، مصلحت خارجی نیست و واقعی به معنای خارجی نیست. محل بحث این است که آیا با قطع نظر از امر شارع یا بدون دخالت این چنین هست که عقل ما یک سری کارها را خوب بداند و یک سری کارها را بد بداند و فاعلش را مستحق پاداش بداند و یا فاعلش را مستحق عقاب بداند؟ اشاعره میگویند عقل ما نمیتواند بفهمد اما عدلیه قائلند که شارع هم اگر نگوید همه افعال انسانی دارای یک مصلحت ها و مفسده های واقعی هستند که همه اوامر و نواهی جدیه الهی بر اساس این مصالح و مفسدات است. - مثلا دزدی مفسده دارد آیا بنا بر نظر شما حتما باید دزدی در خارج واقع شود تا دارای آن مفسده شود؟! پس دزدی دارای مفسده ای است که موکول به تحقق آن در خارج نیست.

خلاصه:

پس سخن ما در مقدمه ششم این است که عبادات بدون امر و نهی شارع مصلحت و مفسده ندارند و تا شارع حکم نکند عقل نمیتواند به خوب یا بدی آن حکم کند که یک جهت آن از راه ماهیات مخترعه شرعیه بود که بنا بر قولی ماهیات مخترعه شرعیه قبل از امر اصلا حقیقتی ندارند و موجود نیستند حتی به وجود اعتباری و اختراعش با امر است و وقتی با امر اختراع میشوند دیگر قبل از امر چیزی نیست که متصف به مصلحت و مفسده شود. پس نمیشود تصور کرد که عباداتی که با امر شارع خلق میشوند دارای یک مصلحت و مفسده ای پیشین باشند. نتیجه این شد که عبادات پیش از امر و نهی دارای هیچ مصلحت و مفسده ای نیستند.

بحث جلسه آینده: وجه دوم